

عوامل انحراف عقیده (جهل مرکب)

پایگاه اطلاع رسانی باقر پور کاشانی

<http://bagherpoor-kashani.com>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعریف جهل مرکب :

اگر انسانی جاهل باشد ، اما از جهل خود آگاه نباشد ، و نداند که نمیداند ، بلکه اعتقاد داشته باشد که علم دارد و میداند ، دارای جهل مرکب است.

در واقع آن عبارتست از اینکه کسی چیزی را نداند ، یا خلاف واقع بداند و چنان داند که حق را یافته است ، پس او نمیداند ، و نمیداند که نمیداند!

به اینگونه جهل ، ازین روی جهل مرکب میگویند که انسان جاهل ، دو نوع جهل دارد ، یکی اینکه نسبت به حقیقت و واقعیت جهل دارد، دوم اینکه نمیداند که جهل دارد و نمیداند ، که این قبیح ترین و ناپسندترین نوع جهل است !

بیشتر انحرافات و مشکلات اعتقادی در همین جهل مرکب ریشه دارد ، به جهل مرکب خود دانا بینی هم میگویند ، زیرا جاهل از علم خالیست اما خودش را عالم و دانا میپندارد ، رای و نظر او مبتنی بر تحقیق و پژوهش نیست اما فکر میکند که حرف درست را میزند ، این جهل مرکب از خطرناکترین بیماریهای روحیست که همچو حجابیست بین انسان و عقیده ی حق ، و سدّیست در راه کمال انسان ، وقتی انسانی خود دانا بینی دارد هیچوقت دنبال کسب علم نیست ، وقتی دنبال علم نرود به حقیقت نمیرسد و این سد کمال او میشود :

اعظم المصائب الجهل

بزرگترین مصیبت ها جهل است

(غررالحکم / حدیث ۲۸۴۴)

شَرّ المصائب الجهل

بدترین مصیبت ها ی انسان بواسطه جهل است

(غررالحکم / حدیث ۵۶۸۰)

الجهل اصل کل شر

ریشه هر شری جهل است

(غررالحکم / حدیث ۸۱۹)

الجهل فساد کل امر

جهل هر امری را فاسد میکند

(غررالحکم / حدیث ۹۳۰)

اشقى الناس الجاهل

بدترین مردم جاهل است

(غررالحکم / حدیث ۲۸۹۴)

چنانچه جهل مرکب باشد ، اوج مصیبت را بیشتر میکند ، زیرا دفع و درمان جهل مرکب در نهایت سختیست به ویژه اینکه مزمن و طولانی باشد ، بخاطر اینکه فرد خود را کامل میبیند و اصلا فکر درمان نیست .

این بیماری فقط هم در مورد اعتقادات نیست ، در همه نظریه ها هست ، مانند این که میگویند انسان اشرف مخلوقات است و همه چیز برای انسان خلق شده ! بله همه چیز برای انسان خلق شده اما نه همه ی انسانها و نوع بشر ، فقط برای اهل بیت که علم آن نیز به آنها عطا شده است.

ملا احمد نراقی در معراج السعاده ۱۱۸ از جلد ۱۴ بحار ص ۳۳۳ ح ۳۶ نقل میکنند :

حضرت عیسی : من از معالجه کور مادر زاد و پیسی عاجز نیستم ، ولی از معالجه احمق عاجزم !

الْحَمَقُ مِنْ ثَمَارِ الْجَهْلِ

حماقت از میوه های جهل است.

(غررالحکم / حدیث ۱۲۰۴)

اثر جهالت و میوه ی درخت جهالت حماقت است ، جاهل مرکب هیچوقت در رفع عیب و نقض خودش کاری نمیکند در کتاب تفسیر روح المعانی آلوسی جلد ۲۱ ص ۵۵ در ذیل آیه ۵۹ سوره روم شعری را آورده از زبان یک الاغ :

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

اینچنین خدا بر دلهای کسانی که از دانایی بی بهره اند، مهر می نهد. (۵۹)

قال حمار الحكيم يوما لو أنصفوني لكنت أركب

لأنني جاهل بسيط وصاحبي جاهل مركب

الاغی به یک مرد حکیم گفت ، اگر در حق من انصاف شود من باید سوار صاحبم بشم ، حکیم گفت چرا ؟ برای اینکه من جاهل بسیط هستم ، اگر میتوانستم میرفتم و یاد میگرفتم ، اما صاحب من که حکیم است جاهل مرکب است.

نشانه های جاهل مرکب چیست ؟

جهل مرکب نیز مانند هوی پرستی دارای مراتب است ، شاید رگه هایی از جهل مرکب در خود ما نیز باشد ، راه تشخیص نشانه های جاهل مرکب :

جاهل کسیست که خود را به آنچه نمیداند دانا بشمارد و به عقل و نظر خود اکتفا کند ، گاهی ما فکر میکنیم همه چیز را باید بفهمیم و این برای همه قشر مردم هست حتی اساتید ، فکر میکنند چون سالها در یک رشته درس خوانده اند میتوانند درباره همه چیز نظر بدهند.

مثلاً چیزی که در حوزه ی علمیه بررسی میشود ، مباحث فقهیست ، آیا کسی که در این زمینه درس خوانده در هر مسئله ای میتواند نظر بدهد؟ خیر. زیرا هر چیزی تخصص مربوط به خودش را دارد ، مثل اقتصاد و ورزش و هنر ... مگر اینکه این مسائل را در تضاد با دین بیابد !

امروزه علم گسترده و تخصصی شده است ، فرد باید سالها درس بخواند تا بتواند در یک رشته اصول کار را بداند ، اما گاهی مشاهده میشود افرادی که اطلاعات کم دینی به ایشان رسیده مثلا پزشکی را میبرند زیر سوال ، علمی چند صد ساله که با رفرنس و جزییات وجود دارد را باطل میدانند ، به جای آن یکسری اطلاعات خیلی جزیی از ابن سینا و امثالهم ارائه میدهند ! ابن سینا در زمان خود حکیم بوده و به تمام علوم به جز ریاضیات احاطه داشته چرا که در قدیم علم محدود به چندین کتاب بود. و راهکارهای ایشان در برخی مسائل جواب هم میدهد ، اما نه در مریضی های سختی همچون سرطان یا بیماریهای خطرناک دیگر!

امروزه دور از عقل است که انسان تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی را رها کند و خود را دست یک عطار بسپرد زیرا محققان یک دارو را که میخواهند ارائه بدهند ، در شرایط و افراد مختلف ، با سن و سال و گروه های خونی متفاوت آزمایش میکنند ، اگر پاسخ مثبت بود دارو را منتشر میکنند ، آن هم با دفترچه راهنما و منع مصرف برای بیمارهای دیگر ، آنوقت سراغ دسته ای از عطارهایی که خود را در همه چیز صاحب نظر میدانند بروید اصلا بررسی نمیکنند و برای همه یک نوع دارو تجویز میکنند. ما برای بیماریهای مختلف تخصص های گوناگون داریم ، به طور مثال فقط برای چشم تخصص های متعددی وجود دارد ، که پزشک سالها درس آن را خوانده آنوقت برخی از عطارها به دلیل همین جهل مرکب و خود دانا پنداری ، خود را در هر زمینه و هر بیماری ای صاحب نظر میدانند. اینها همه نشانه های جهل مرکب است !

جهل مرکب باعث میشود که عده ای به اسم اسلام یک مسلمان دیگر را ذبح کند و پندارد که به بهشت میرود!

امیرالمونین فرمودند اگر این جاهلان ساکت باشند همه مردم به حقیقت میرسند و راه درست را میروند!

لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُونَ مَا اِخْتَلَفَ النَّاسُ

اگر جاهل سکوت کند اختلاف از جامعه رخت برمییند

(میزان الحکم / حدیث ۴۸۵۳)

مَنْ قَالَ اَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ

کسی که بگوید من عالمم پس او جاهل است.

(میزان الحکم / حدیث ۱۳۶۴۲)

البته کسی که در زمینه ای تخصص دارد قضیه اش فرق میکند اما کسی که ادعا کند به نهایت علم رسیده این فرد نهایت جهل را آشکار کرده است!

نیوتن : علم ما نسبت به جهل ما مثل مستی ماسه نسبت به کل ماسه های دریاست.

ما ضاد العلماء كالجَهِال .

دشمنی نکرده علما را کسی مثل جاهلان

(غرالحکم / حدیث ۹۶۱۲)

مشکل ادعای جاهلان است ، گاهی هم برخی افراد در رشته ای واقعاً عالم و صاحب نظر هستند ، و مردم به آنها اعتماد کامل دارند ، اما همین افراد به مسائلی که در آنها علمی ندارند هم ورود میکنند و مردم را به انحراف میکشاند ، اینجا مردم باید حواسشان را جمع کنند و عقل خود را به دست جاهلان مرکب نسپارند!

وَ إِنَّ الْجَاهِلِينَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ بِمَا جَهِلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ عَالِمًا وَ بِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًا فَمَا يَزَالُ مِنَ الْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا وَ عَلَيْهِمْ زَارِيًا وَ لِمَنْ خَالَفَهُ مُخْطِئًا وَ لِمَا لَمْ يَعْرِفْ مِنَ الْأُمُورِ مُضَلَّلًا وَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا يَعْرِفُهُ أَنْكَرَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ قَالَ بِجَهَالَتِهِ مَا أَعْرِفُ هَذَا وَ مَا أَرَاهُ كَانَ وَ مَا أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ وَ أَنَّى كَانَ وَ لَا أَعْرِفُ ذَلِكَ لِثِقَتِهِ بِرَأْيِهِ وَ قَلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ فَمَا يَنْفُكُ مِمَّا يَرَى فِيهَا يَلْتَبِسُ عَلَيْهِ رَأْيُهُ وَ مِمَّا لَا يَعْرِفُ لِلْجَهْلِ مُسْتَفِيدًا وَ لِلْحَقِّ مُنْكَرًا وَ فِي اللَّجَاجَةِ مُتَجَرِّبًا وَ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ مُسْتَكْبِرًا

جاهل کسیست که خود را به آنچه نمیداند دانا بشمارد و به عقل و نظر خود اکتفا کند ، در نتیجه همیشه از علما دوری گزیده و از آنها خرده گیری و عیب جویی میکند و هنگامی که اموری بر آنها عرضه میشود که شناختی نسبت به آنها ندارند آنها را انکار میکنند ، به دلیل نادانی گویند من چنین چیزی را نشنیده ام گمان نمیکنم چنین باشد . این اظهارات بدان جهت است که او به نظر خود اعتماد دارد و شناخت او به جهالت خویش اندک است ، در نتیجه از ناحیه آرای غلطی که افکار نادرست او مشتبه شده و از طریق آنچه که نمیشناسد پیوسته نادانی تحصیل میکند و حق را انکار مینماید و در جهالتش متحیر است و از طلب عمل تکبر میکند.

از یکی از علما نقل کردند ، انقدر که کتاب میخوانند وقت مرگ ایشان دیدند سینه ی ایشان کبوداست ، گفتند چرا اینطور شده ؟ پسرش گفت ایشان در زمان مرضی انقدر کتابهای سنگین را برای مطالعه روی سینه ی خود میگذاشتند که سینه شان کبود شد ! کسی که اجتهاد هم دارد تا لحظه آخر طلب علم میکرد .

و يَقَوْمٌ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ
لَا كَيْفَ أُرْزِكُمْ قَوْمًا يَجْهَلُونَ (۲۹)

ای قوم من، در برابر تبلیغ رسالت خویش مالی از شما نمی طلبم. مزد من تنها با خداست. آنگاه ای که ایمان آورده اند از خود نمی رانم؛ آنان با پروردگار خویش دیدار خواهند کرد. ولی می بینم که شما مردمی نادان هستید. (۲۹)
(سوره هود آیه ۲۹)

أَتُنَكِّمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ يَّجْهَلُونَ (۵۵)

چرا از روی شهوت به جای آنان به مردان می گرایید؟ شما مردمی نادان هستید. (۵۵)
(سوره نمل آیه ۵۵)

چطور تشخیص دهیم که درون ما جاهل وجود دارد:

دکارت گفت: من شک میکنم پس هستم، از واکاوی هستی خودش شروع کرد و خدا را هم اثبات کرد.

جابرین حیان، پدر علم شیمی گفته است که، هر چه که دارم، از امام صادق دارم (حتی علم شیمی)

او که در عصر معصوم نبوده که بگوییم تمام علم شیمی را از معصوم گرفته، درست است که در قرآن گفته شده همه چیز روشن و بین است، اما نه نزد من و شما، نزد کسانی که علم بر آنها نازل شده، اهل بیت علیهم السلام.

وگرنه فرمول های ریاضی و فیزیک و شیمی کجای قرآن آمده؟

راه اینکه آدم ببیند که دچار جهل مرکب شده یا نه اینست که عقایدش را از ابتدا واکاوی کند، فطری عقلی و درونی! باید چیزهایی را به عنوان بدیهیات مطرح و مقایسه کند، مثلاً میدانیم که اجتماع نقیضین محال است، از همین شروع میکنیم، تا به اثبات خدا برسیم. همه چیز با همین اصل اثبات میشود مگر اینکه فرد بخواهد بدیهیات را منکر شود. در اصول و عقاید تقلید جایز نیست باید دین و عقیده کاملاً عقلی بررسی بشود.

مثلاً هر عاقلی میداند ظلم و خیانت بد است و عدل خوب، همین را مبنا قرار بدهیم و ببینیم عملی که با ارباب رجوع یا فرزند و دوستانمان میکنیم بر اصول عدالت هست یا نیست!

تنها راهی که بتوانیم از جهل مرکب خارج شویم ، ارزیابی چیزهاییست که به آنها یقین داریم ، باید جرئت کنیم و عقایدمان را واکاوی کنیم ، و اگر با برهان، استدلال، قرآن ، عترت و اطمینان پیش برویم ، هیچکس نمیتواند عقایدمان را از ما بگیرد .

آنکس که بداند و بداند که بداند اسب طرب خویش به افلاک نشاند

آنکس که نداند و بداند که نداند آنهم خرک لنگ به منزل برساند

آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند